

مجله علمی. دوره ششم. شماره ۶ و ۷

مهر - آبان - آذر - دی ۷۵، انتشار: اردیبهشت ۷۶، ۱۵۲ صفحه، ۶۰۰ تومان



دگرگونی تهران: گسیختگی یا پویایی؟

ساختار ناسازگار تهران ■ تهران: مدنیت گم‌گشته ■ تهران کجاست؟ سیمای شهری تهران معاصر
مدیریت کلان‌شهر تهران ■ نگاهی به برنامه تهران - ۸۰ ■ قشریندی اجتماعی و تحول محلات تهران
رشد تهران و انگاره «توسعه ناموزون شهری» ■ مفهوم و گستره منظومه شهری تهران ■ دگرگونی مفهومی و
مکانی مرکز شهری تهران ■ بررسی و تحلیل شکل کمبود فرصتهای گذران اوقات فراغت شهر تهران
بلندمرتبه‌سازی در تهران ■ دگرگونی تهران در اواخر قرن نوزدهم ■ صحنه نامتقارنی از تاریخ
طرح بازسازی مجموعه کاخ گلستان ■ بازسازی لایه‌ای معماری ■ مجلس شورای ملی سابق بازسازی می‌شود

هیئت تحریریه مجله معماری و شهرسازی حدود یک سال پیش تصمیم گرفت که شماره مخصوصی را به پدیده تهران اختصاص دهد و برای ایجاد هماهنگی در محتوای مقالات از میان مضامین مختلف عنوان «دگرگونی تهران: گسیختگی یا پویایی؟» را انتخاب کرد که محور اصلی بحث و الهام بخش مقالات این شماره باشد و میان مقالات، که به طبع در حوزه‌هایی متفاوت ارائه می‌شدند گونه‌ای همبستگی و پیوستگی پدید آورد... البته تمامی مقالاتی که به دست ما رسید در مجموع آن چنان در ارتباط با مضمون انتخابی نبودند که تصویری کلی از پویایی و گسیختگی جنبه‌های مختلف پدیده شهرنشینی تهران ایجاد کنند. بنابراین مناسب دیدیم که بحث آغازین مجله را به طرح موضوع تهران به عنوان یک پدیده در حال توسعه و بررسی جنبه دو گانه این توسعه، یعنی پویایی و گسیختگی آن اختصاص دهیم.

توسعه و واژه‌های مشتق از آن مفهومی هستند که در دوران معاصر در مقیاس وسیع نه تنها در ادبیات، اقتصاد سیاسی و علوم اجتماعی و رشته‌های مختلف مرتبط با این زمینه‌ها، بلکه در سراسر جهان و در چارچوب نظام‌های ایدئولوژیک گوناگون و حتی متعارض به عنوان بالاترین معیار یا دست کم یکی از بالاترین معیارها برای سنجش بهروزی و سعادت اجتماعی در مقایسه میان کشورها، مناطق و شهرها به کار می‌روند. از این رو جامعه توسعه یافته و شاخصهای رفاه موجود در آن الگوی آرمانی کشورهای می‌شود که به نسبت آن کمتر توسعه یافته هستند و دستاوردهای علمی و فنی جوامع توسعه یافته مورد درخواست کشورهای توسعه نیافته قرار می‌گیرد.

توسعه یافتگی در جهان بینی افراد نیز به عنوان یک ارزش مطلق و معیاری که سایر معیارها با آن سنجیده می‌شوند، جا افتاده است. به این علت مردم جوامع کمتر توسعه یافته در آرزوی برخورداری از مواهب عینی و جذابیتهای ذهنی و فرهنگی مناطق توسعه یافته خواهان زیستن در آن مناطق هستند و در سطح جهان از روستا به شهر، از شهر کوچک به شهر بزرگ و از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته تر، جریان مهاجرتی دائمی برقرار است.

توسعه یافتگی به سهولت به عنوان معیاری برای سنجش نیکبختی جمعی جوامع و مکانهای مختلف در مقایسه با یکدیگر به کار برده می‌شود مثلاً آشکار است که تهران در قیاس با دیگر شهرها و مناطق ایران توسعه یافته‌ترین شهر کشور است. اما زمانی که میزان توسعه یافتگی تهران را بنابر مناسبات درونی و کیفیت محیط شهری و کالبدی آن مورد ارزیابی قرار دهیم آشکار خواهد شد که توسعه تهران (که رشد کمی نیز جزئی از آن است) یک روند تاریخی پویا و در عین حال جریانی بحرانی و پرتضاد است، که در بسیاری موارد به خصوص در پنجاه سال اخیر، ضد آرمانهای توسعه، که همانا ایجاد محیطی بهتر برای زیستن است، به بار آمده است.

تهران از لحاظ بسیاری از شاخصهای اجتماعی و اقتصادی توسعه، مانند درآمد سرانه، سطح خدمات آموزشی، درمانی، فرهنگی و غیره، فرصتهای اشتغال، امکانات سرمایه گذاری... توسعه یافته‌ترین شهر کشور است. در زمینه شاخص‌های کالبدی نیز برخی از نشانه‌های توسعه یافتگی نسبی مانند شبکه بزرگراهها، ساختمانهای بلند، شبکه گسترده تأسیسات زیربنایی، الگوهای نسبتاً پیشرفته تر مسکن جمعی، انواع کارخانه‌ها و غیره در تهران مشاهده می‌شود.

اما در عین حال تهران به عنوان یک حوزه زیستی کلان مجموعه‌ای است که بیش از هر شهر و هر منطقه دیگر در ایران بحرانیات و تضادهای توسعه را تجربه می‌کند. بحران مسکن، گرانی و تورم، بحران ترافیک، آلودگی محیط زیست، بی سامانی و تشتت سیمای شهری، توسعه حاشیه نشینی و انواع معضلات اجتماعی و شهری دیگر بیش از سایر شهرهای کشور در تهران دیده می‌شود. این بحرانیات از همگرایی شهر و زندگی شهری به عنوان یک واحد زیستی یگانه می‌کاهد، زندگی شهری را غیر عقلایی و غیر انسانی می‌کند، موجب اتلاف منابع و انرژیهای شهر می‌شود و از تعلق شهروندان به محیط زندگیشان می‌کاهد.

بدین ترتیب اگر عوارض و دستاوردهای مطلوب و نامطلوب توسعه تهران را در دو دسته متمایز قرار دهیم و روند تغییرات آنها را در طول زمان بررسی کنیم مجموعه آنها همچون دو جریان متضاد به نظر خواهد رسید که یکی فرآیند پویایی زندگی شهری و دیگری فرآیند گسیختگی آن است. این دو فرآیند ذاتی توسعه هستند و در همه شهرها و کشورها که در چهارچوب نظامهای سیاسی و اقتصادی گوناگون قرار دارند، مشاهده می‌شوند.

در جوامع مختلف که در مسیر توسعه قرار دارند این دو فرآیند به وسیله سیستمهای برنامه ریزی و مدیریت کنترل می‌شود. در جوامعی که مناسبات اقتصادی و کارکردی آنها توسعه بیشتری یافته ابزارهای برنامه ریزی و مدیریت نیز روبه تکامل رفته و پیچیده تر شده است. کاربرد برنامه ریزی و مدیریت در هر واحد اجتماعی در حال توسعه، اعم از آنکه یک واحد تولیدی، یک شهر، یا یک کشور باشد، به معنای کاربرد یک خرد و آگاهی پیش بینی کننده و هماهنگ کننده در آن واحد است که در مجموع مسیر تحرک و تحول سیستم را پیش بینی و بحرانیاتی را که بروز می‌کنند حل و تعدیل می‌کند و جریان حرکت سیستم به سوی اهداف مطلوب را به حالتی متعادل و متوازن در می‌آورد.

شهرهایی که در جریان توسعه خود موفق بوده‌اند، یعنی بحرانیات و گسیختگی‌ها کمتری را تجربه کرده و توسعه متعادلتر و موزونتری را دنبال کرده‌اند، شهرهایی هستند که در طول تاریخ توسعه خود سیستم برنامه ریزی و مدیریت کارآتری را پرورش داده‌اند. در این شهرها سیستم پیچیده برنامه ریزی و مدیریت، که در نهایت یک کل واحد است از مجموعه‌ای از جزء سیستمهای مرتبط و حساس نسبت به یکدیگر تشکیل شده است

که بر همه کارکردها و فرآیندهای خردو کلان زندگی شهری حاکم است و مناسبات میان اجزاء با یکدیگر و با کل سیستم را به نحوی تنظیم و کنترل می‌کند که اجزاء در خدمت کارکرد کل سیستم و کل نیز نسبت به تمایلات و تغییرات اجزاء حساس و از آنها تأثیر پذیر باشد.

با این تعبیر سیستمی که شهر را اداره می‌کند مقولای بسیار جامع و فراگیر است که چهارچوب سیاسی اداره شهر، سازمانها و تشکیلات مؤثر در اداره امور شهر، طرحها و برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، قوانین و مقررات کارکردی و کالبدی نگهداری و توسعه شهر و بالاخره حساسیت و آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و مسئولیتهای شهروندی را در برمی‌گیرد.

لیکن در تهران وسعت عوارض گسیختگی ناشی از توسعه هفتاد و چند سال اخیر در برابر دستاوردهای مطلوب و مثبت آن حکایت از آن دارند که پایتخت ما فاقد سیستم برنامه ریزی و مدیریتی در خور پیچیدگی‌های کارکردی آن است.

یافتن عوارض گسیختگی در روند توسعه معاصر تهران چندان دشوار نیست و علی‌رغم تلاشهای مثبتی که در سالهای اخیر به عمل آمده و نتایج مطلوبی که حاصل شده است، آثار آن را در روابط، روشها و سیاستهایی می‌توان دید که در شئون مختلف زندگی شهری اتخاذ می‌شود.

در زمینه مدیریت و برنامه ریزی شهری این آثار را می‌توان مشاهده کرد: شکل گرفتن شهر براساس روزمرگی در غیبت سیاستهای جامع و فراگیر و دراز مدت، خود محوری سازمانهای مسئول، عدم انطباق قوانین و مقررات با واقعیتهای و تحویل وظیفه مدیریت شهر به سلیقه و طرز تلقی افراد مسئول، عقب بودن طرحها و برنامه‌ها از مشکلات و معضلات شهر، استفاده از روشهای بوروکراتیک به جای روشهای پویا در حل مسائل، نسخه برداری خام و نابخردانه از الگوها و روشهای غربی بدون تنظیم و تعدیل آن برای انطباق بازمینه شرایط بومی، ایجاد یا القای قوانین به طریق خلق الساعه و تغییر یک شبه قوانین شهری، خارج ماندن شهروندان از جریان تصمیم‌گیریهای شهری و بی‌اطلاعی و انفعال آنها نسبت به برنامه‌های آینده شهر، محدود بودن نیروهای متخصص و دورماندن صاحب نظران و متخصصان دلسوز و نگران از مراکز تصمیم‌گیری، بحرانی شدن مسائل و بحرانی شدن راه‌حلهایی که برای رفع موضعی و موقتی بحرانها ارائه شدند... مواردی از گسیختگی و عدم کارآیی در سیستم برنامه ریزی و مدیریت موجود در شهر تهران هستند.

در زمینه کالبدی نیز عوارض گسیختگی به صور گوناگون دیده می‌شود: مصرف زمینهای مناسب شهری برای کاربریهای نامناسب، مصرف منابع سبز برای توسعه شهری، شکل‌گیری بافتهای ناهنجار، آشفستگی نمای شهری، یک شکلی و یکنواختی حومه‌های جدید، عقب‌ماندگی تأسیسات شهری از روند توسعه اسکان جمعیت، بی‌برنامگی در ساماندهی ابنیه و مکانهای عمومی بدون در نظر گرفتن وضع و پرسپکتیو آینده شهر، به هم ریختگی مفاهیم و بنیادهای سازمان فضای شهری، نظیر محلات، نواحی، مناطق و مرکز شهر، گسیختگی بافت محلات به وسیله خیابانها، بولوارها و بزرگراهها و چندباره شدن سازمانهای فضایی به هم پیوسته، تخریب بافت تاریخی، شکل‌گیری بدون برنامه محلات براساس منافع اقتصادی مالکان عمده و تقسیم بندی زمین توسط زمین داران و زمین خواران، و بورس بازی زمین و ساختمان میان مالکان و بسازو بفروشها و در نتیجه عرضه مسکن نامطلوب در بافتهای ناهنجار و یکنواخت، توسعه کمی پدیده‌های مختلف شهری در برابر فقر کیفی آنها، تکرار و تکثیر ساختمانها و فضاهای خام و فاقد طراحی... شاخصهای گوناگونی از گسیختگی کالبدی شهر هستند.

در زمینه شرایط و مناسبات اجتماعی نیز گسیختگی به صور گوناگون بروز کرده است: تغییر ترکیب و نحوه توزیع جمعیت در شهر در قالب تخلیه مرکز شهر و محلات قدیمی آن و بافتهای میانی شهر از ساکنان قدیمی و معتبر، رشد حاشیه نشینی و شهرک نشینی و به طور کلی رشد شهرنشینی بدون توسعه شهروندی، تولید شهروند بدون حساسیت نسبت به درک مکان و درک زمان، خود محوری در عمل و کم توجهی به قانون در رفتار شهروندان... جنبه‌هایی از بحران در وضعیت اجتماعی و رفتار جمعی در شهر تهران هستند.

مروری بر تاریخ شهر تهران حاکی از آن است که این گسیختگی از مقطع کاملاً مشخصی در سالهای دهه ۱۳۰۰ در شهر آغاز شده و از دهه ۱۳۳۰ شدت و شتاب روز افزون یافته است. تاپیش از آن، یعنی تا پیش از شروع تغییرات محتوایی و کالبدی شهر در تبدیل از جامعه‌ای مبتنی بر مناسبات کهن (پیش‌سرمایه داری) به جامعه مدنی نوین، شهر در چهارچوب مناسبات و قوانین عرفی و سنتی کم و بیش یگانه و منسجمی می‌زیست و همین قوانین و مناسبات انسجام کارکردی و هم‌زمانی کالبدی شهر را تأمین می‌کردند. ولی شهر نوین که در ذات خویش متحول و پویاست باید در چهارچوب سیستمی از قوانین، مقررات برنامه‌ها، طرحها و سازمانهای اجرایی اداره شود که همبای تحولات کارکردی شهر تحول و تکامل یافته‌اند و خرد و آگاهی لازم برای کنترل این تحولات را نیز در خود پرورش داده‌اند در شهر تهران کوشش برای ایجاد این گونه سازمان نوین مدیریت شهری از سالهای ۱۳۰۰ تا به امروز دنبال شده است، اما چنین به نظر می‌رسد که دستاورد این هفتاد و چند سال در زمینه ایجاد و توسعه سیستم جامعی برای برنامه ریزی و مدیریت شهر تهران و آگاهی و خرد ملازم با آن، هر چند در سه دهه اول آن به موفقیتهایی نسبی در ایجاد یک محیط شهری منسجم و معنی‌دار نایل شده است، لیکن در مجموع و با ارزیابی کیفی شهری که امروز در آن زندگی می‌کنیم ضعیف و ناکافی بوده است، زیرا بارشد کمی شهر ابعاد بحرانهای زندگی شهری نیز بزرگتر شده، بحرانها و گسیختگیهای زندگی شهری بر انسجام آن پیشی گرفته‌اند و بحران خود به یک عارضه مستمر و مداوم تبدیل شده است. بدین ترتیب فرآیند تحولات تهران را در مسیری که اینک طی می‌کند می‌توان همچون فرآیند پویایی در گسیختگی ارزیابی کرد.

همه تجربه دیدن تهران را در شب از فراز یک نقطه بسیار مرتفع و مسلط در خاطر داریم. فقط در چنین زمانی که سیاهی شب شهر را پوشانده است و عظمت ساختار شهر و نیرومندی و پویایی آن در قالب میلیونها نقطه روشن بازبان نور بیان می‌شود می‌توان احساس کرد که تهران از یک قریه چند هزار نفری تا یک کلان شهر چند میلیون نفری راه درازی را پیموده است. در این حیات شبانه از نشانه‌های گسیختگی، مانند بی‌تناسبی، زشتی، آلودگی و ناهنجاری و غیره اثری نیست و تنها پیوستگی است که قابل درک است.

کامران صفامنش - بهروز منادی زاده